

روپای نظام پارلمانی و تاسیس عدالتخانه

«اعتماد» 117 ساله شدن فرمان مشروطه را بررسی می‌کند

گروه سیاسی | 117 سال از صدور فرمان مشروطه گذشت. فرمانی که در واقع مربوط به فرمان تشکیل مجلس شورای ملی و ثمره تلاش‌های آزادیخواهان وطن برای رهایی از استبداد مطلق است. برگه‌ای که مظفرالدین‌شاه قاجار در ۱۳ مرداد ۱۲۸۵ خورشیدی آن را امضا و یک روز بعد در تاریخ ۱۴ مرداد 1285 با امضای فرمان مشروطیت رسماً در تاریخ معاصر کشورمان جاودانه شد. جنبشی که با هدف تحقق مطالبات دوگانه مردم ایران آغاز شد تاریخ پر فراز و نشیبی را پیمود. به اعتقاد بسیاری از تحلیلگران، اما ایرانیان همچنان در مسیر تحقق این دوگانه قرار دارند. تشکیل مجلس شورای ملی و تحقق عدالتخانه، دوگانه مهمی بود که ایرانیان مبتنی بر آن یکی از مترقی‌ترین جنبش‌های معاصر را در منطقه و جهان شکل دادند. مردم ایران در وهله نخست، خواستار بهره‌مندی از یک سیستم پارلمان‌تاریستی واقعی بودند و در وهله بعد به دنبال بهره‌مندی از یک ساختار عدلیه مناسب انقلاب مشروطه را شکل دادند. نخستین نشانه‌های این انقلاب اما در اسفند ۱۲۸۳ آشکار شد که معترضان، بازار تهران را تعطیل کردند و در حرم عبدالعظیم بست نشستند. اما در آذر ۱۲۸۴ که حاکم تهران به بهانه گران شدن قیمت قند، چند تاجر خوشنام را مجازات کرد، اعتراضات با رهبری سید محمد طباطبایی و سید عبدالله بهبهانی دامنه وسیعی پیدا کرد و مردم خواستار تشکیل عدالتخانه شدند. با قول مظفرالدین‌شاه مبنی بر توجه به خواسته‌های مردم، اعتراضات موقتا فرونشست، اما در تیر ۱۲۸۵ مجدداً از سر گرفته شد؛ این‌بار جمعیتی ۱۴ هزار نفره در سفارت بریتانیا جمع کردند و تا زمان صدور فرمان مشروطیت مبنی بر تشکیل مجلس شورای ملی در مرداد همان سال، آنجا را ترک نکردند.

البته زمینه‌های فکری این تغییرات از سال‌ها قبل و به سبب آشنایی ایرانیان با پیشرفته‌های کشورهای غربی وجود داشت. اصلاحاتی که سه تن از صدراعظم‌های شاهان قاجار؛ یعنی قائم‌مقام فراهانی، میرزا تقی

خان فراهانی و میرزا حسین خان سپهسالار شروع کردند از نمودهای سیاسی این آگاهی‌ها بود. با این حال، این اصلاحات نیمه‌تمام رها شد. در مرحله بعد، متفکرانی مانند سید جمال‌الدین اسدآبادی و میرزا ملکم‌خان به روشنگری توده مردم پرداختند و بالاخره جنبش‌هایی مانند جنبش تنباکو به عنوان اولین نشانه‌های بیداری ایرانیان پدیدار شد. چاپ روزنامه‌ها و نشریات، انتشار کتاب، توسعه مدارس و علاقه‌مندی مردم به رویدادهای جهان از نشانه‌های این تحول فکری بود.

انقلاب مشروطه از ائتلاف گروه‌های مختلف سیاسی، مذهبی و صنفی شکل گرفته بود، اما ناهمگونی این ائتلاف، باعث شد که به تدریج تعارض‌هایی در بین این گروه‌ها به وجود آید و ماهیت مشروطه دچار کاستی‌هایی شود. با این حال، مجلس شورای ملی که در ۱۴ مهر ۱۲۸۵ افتتاح شد، در طول عمر بیست‌ماهه خود توانست تصمیمات و قانون‌های بی‌سابقه‌ای اتخاذ کند که از آن جمله می‌توان به محدود کردن اختیارات شاه، تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی، نظارت بر دریافت مالیات، موازنه بودجه و لغو واگذاری زمین‌های تیول اشاره کرد. انقلاب مشروطه ابعاد و تاثیرگذاری جهانی نیز داشت؛ چنان‌که به عقیده يك تحلیلگر، انقلاب ۱۹۰۸ ترکیه از آن الهام گرفت. «اعتماد» به مناسبت صدور فرمان مشروطه در ۱۴ مردادماه ۱۲۸۵ یادداشت‌هایی را با موضوعاتی چون نقش زنان در انقلاب مشروطه و ماهیت انقلاب مشروطه از علی ربیعی و سیمین حاجی‌پور ساردویی آماده کرده که در اختیار مخاطبان گرامی قرار می‌گیرد.

چرخش پارادایمی زنان پرده‌نشین به زنان پیشرو در انقلاب مشروطه

سیمین حاجی‌پور ساردویی

تاریخ ایران در سال ۱۲۸۵ مملو از قهرمانی‌ها، رشادتها و از خودگذشتگی‌های ملت و پادشاهی است که هر چند از جنس قاجار بود، اما به سنت پدرسالارانه قاجار عمل نکرد و با امضای فرمان مشروطیت در روز ۱۴ مرداد امکان تشکیل مجلس قانونگذاری و تدوین قانون اساسی را فراهم کرد. گرچه می‌گویند چون بیمار بود، امضا کرد، اما می‌توانست مانند پیشینیان خود با اندیشیدن به وراثت پادشاهی در خاندان خود امضا نکند، اما امضا کرد. از سوی دیگر نمی‌توان گفت

مشروطه تنها ثمره تلاش مردان است؛ مردانی چون صوراسرافیل، آیت‌الله بهبهانی، آیت‌الله طباطبایی، ستارخان، باقرخان، دهخدا و ... که به حق ملت ایران مدیون تلاشها و ایثارهای این بزرگمردان دوران مشروطیت است، بلکه زنان نیز به صور مختلف در این انقلاب شرکت جستند؛ هر چند از نگاه تاریخ‌نویسان دور ماندند.

زنان پرده‌نشین

در دوره قاجار، زیست زنانه در اندرونی و عرصه خصوصی بود. نگرش زنان به زندگی نیز پذیرش سرنوشت و تسلیم در برابر این سبک زندگی بود. این الگوی اجتماعی شدن تا چند دوره بعد ادامه یافت. با وجودی که در آن زمان هیچ گروه اجتماعی نمی‌توانست از حقوق و منافع خود دفاع کند، اما این امر برای زنان شدیدتر بود و آنها با محدودیت‌های بیشتری مانند محرومیت در ارتباط و تعامل با دنیای خارج مواجه بودند.

انقلاب مشروطه

انقلاب مشروطه نقطه عطفی در بیداری زنان ایرانی بوده است. مبارزات رهایی‌بخش زنان با آغاز تکاپوهای نهضت مشروطه آغاز نشده است، اما فضای انقلابی این دوره باعث شد تا جنبش زنان جوانه بزند و شکوفا شود. بنابراین جنبش زنان در این دوره، یک خرده جنبش و بخشی از جنبش بزرگ ملی ایران با هدف استقلال کشور و اجرای قانون اساسی بود و برعکس ادعای برخی، از نظر خاستگاه ایدئولوژیک نمی‌توان این جنبش را فرزند جنبش فمینیستی غرب در نظر گرفت، زیرا غرب‌زدگی مساله اصلی زنان پیشروی ایرانی نبود و اصولاً به دلیل تنگناهای ارتباطی خاص آن دوران، اطلاعات و آگاهی زنان از زنان مغرب زمین و امکان پیرنگ درد مشترک وجود نداشت. اصولاً مبارزه برای مشروطیت، استقلال از سایه نظام پدرسالاری و بیرون راندن بیگانگان از کشور به منظور برقراری امنیت هیچ‌گاه جزو «آرمان‌های فمینیستی» نبوده است، بلکه «مسیری» بود که جنبش زنان در گذر انقلاب مشروطه تلاش کرد، طی کند. فضای ملتهب و متلاطم مشروطه و مشروطه‌خواهی دستاویزی بود تا بخش بزرگ‌تری از زنان ایرانی از سرنوشت سیاسی و اجتماعی خود آگاه شوند و در راه اعتلای آن پا به پای مردان پیکار کنند و با حضور در عرصه‌های اجتماعی و مبارزات، از نقش منفعل خود در کنج خانه خارج شوند.

زنان پیشرو

فعالیت‌های زنان در جریان تحولات سیاسی انقلاب مشروطه در عرصه عمومی

افزایش یافت. انجمن‌های خصوصی و سازمان‌های مخفی، شرکت در بست‌نشینی‌های حرم عبدالعظیم و مبارزه مسلحانه از جمله فعالیت‌هایی بود که زنان برای پیروزی مشروطه انجام دادند. سپس، دقیقا آن لحظه نامیدکننده از راه رسید و مشروطه‌خواهان حاضر به پذیرش جنبش زنان و زنان به عنوان يك «طبقه» نشدند. انبوه زنان بی‌سواد به اندرونی‌های سابق خود بازگشتند و جنبش و مشارکت زنان در انقلاب مشروطه پس از تشکیل مجلس ملی از سوی مردان به فراموشی سپرده شد، به گونه‌ای که در نظام‌نامه انتخابات مجلس شورای ملی که مدتی پس از پیروزی انقلاب مشروطیت به تصویب رسید به راحتی در ماده سوم، سران مشروطیت زنان را به همراه دزدان، سارقان، تبعه‌های خارجی، مردان زیر 25 سال و مفسدان فی‌الارض از شرکت در انتخابات محروم کردند. زنان خواهان حقوق خود از مجلس انقلابی شدند، اما مجلس زنان را به اندرونی، بچه‌داری و خانه‌داری رجوع داد و سیاست را مردانه انگاشت.

به هر روی، انقلاب مشروطیت به زنان حق رای نداد و از عضویت آنها در احزاب سیاسی نیز جلوگیری کرد. در سال 1289، وکیل‌الرعیایا، نماینده همدان در مجلس، جسورانه درخواست زنان مبنی بر حق رای را در قالب طرح «حق رای زنان» به مجلس آورد که جنجالی برپا شد، زیرا تعصبات و محدودیت‌های فرهنگی مانع از آن میشد که برابری حقوقی زنان با مردان را بپذیرند.

از سوی دیگر، سهم‌خواهی زنانه از مواهب سیاسی استقرار قانون از سوی زنان مشروطه‌طلب که با حضور خود به تحقق رویای مشروطیت کمک کرده بودند، موفقیتی کسب نکرد، زیرا بیشتر فعالان زن در آن دوران، زنان شهری با منشا طبقه متوسط بالا یا متوسط بودند. اکثریت این زنان از خانواده‌هایی بودند که مردان آنها مشارکت فعالی در امور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی داشتند. سبک زندگی شهری و فرهنگی این زنان به شدت از سبک زندگی زنان طبقات پایین و سنتی متفاوت بود، بنابراین این ناهم‌سویی‌ها، ایجاد توده‌ای انتقادی را در حمایت از جنبش دشوار کرد و به این ترتیب، جنبش زنان از منظر سیاسی از قدرت لازم برخوردار نشد. اما مطالعات جامعه‌شناختی، این دیدگاه تاریخی را گسترش می‌دهد که چگونه هویت خصوصی و نقش‌های زنانه که در نگاه اول مبنای طرد از حوزه عمومی بودند همچنان به عنوان اهرم‌های مهمی برای خروج زنان از اندرونی‌ها عمل کردند و توانستند معادلات حقوقی، فرهنگی و اجتماعی جدیدی را پایه‌گذاری کنند.

چرخش پارادایمی زنان

زنان که يك طبقه ايجاد کرده بودند، نااميد نشده بودند. آنها اکنون بايد آن طبقه را آگاه مي‌کردند. از اين رو، در شکاف میان فضای عمومي و خصوصي، در فضای تعهدات اجتماعي يا مدني که حضور آنها قابل تحمل بود، فعال شدند و به اين فعاليتهاي عمومي و اجتماعي مشروعيت بخشيدند. در اين دوره زنان که خاستگاه دقيق و مشخصي داشتند، با شرکت فعال در عرصه‌هاي اجتماعي پايه‌هاي فرهنگ سنتي را به لرزش درآوردند و براي ايجاد تحول در قوانين نابرابر دو جنس تلاش بزرگي را آغاز کردند. البته در اين مسیر مردان مشروطه‌خواه روشنفکري مانند ميرزاده عشقي، ملک‌الشعراي بهار، ايرج ميرزا و... نیز از جنبش حقوق زنان حمايت کردند.

از آنجا که زنان متوجه شده بودند تا هنگامي که به توسعه فرهنگي نرسند، امکان دسترسي به حقوق سياسي نخواهند داشت، حقوق و مطالبات خود را در سه زمينه پيگير شدند:

1- گشايش مدارس دخترانه

2- انتشار نشریات زنان

3- تاسيس انجمن‌هاي زنان

البته ماده‌اي در متمم قانون اساسي بود که حق تحصيل، آزادي قلم و حق تاسيس جمعيت را بدون توجه به جنسيت آزاد کرده بود و اين قانون به زنان بسيار کمک کرد. 3 يا 4 سال بعد از مشروطه اولين روزنامه زنان چاپ شد. در اين روزنامه زنان خواستار مدرسه و بهداشت شدند. 12 سال بعد از مشروطه اولين مدرسه دخترانه تاسيس شد. به اين ترتيب، کم‌کم زنان به عنوان قشري پيشرو از جامعه پذيرفته شدند که آگاهانه و مسوولانه در بسياري از برنامه‌هاي کشور مشارکت داشتند.

مدرس دانشگاه و پژوهشگر حوزه جامعه‌شناسي سياسي و مطالعات زنان

منبع: روزنامه اعتماد 14 مرداد 1402 □□□□□□